

ارزیابی و بازیابی مستندات گزارش‌های تاریخی کلینی در باره مولد النبی

منصور داداش نژاد^۱

فاطمه کرمی^۲

چکیده

سیره رسول خدا ﷺ در کتاب‌های حدیثی شیعه به صورت پراکنده و گاه در عنوانی اختصاصی مورد توجه محدثان قرار گرفته است. یکی از کهن‌ترین منابع حدیثی شیعه که به بررسی زندگانی پیامبر ﷺ پرداخته و عنوانی را بدان اختصاص داده، کتاب الکافی نوشته کلینی (م ۳۲۹ ق) است. کلینی در باره زندگانی رسول خدا ﷺ پیش از ارائه مسند احادیث، به صورت مسند، بر زندگانی رسول خدا ﷺ مروری کلی کرده و اطلاعاتی را گاه همسو با منابع عامه، گزارش کرده است. این نوشته در صدد است با بررسی مشابهت ساختاری و محتوایی گزارش‌های تاریخی کلینی، مستندات و مصادر وی را در ارائه این گزارش‌ها آشکار ساخته، منطق و معیار وی را در گزینش گزارش‌های تاریخی سیره به دست آورد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که کلینی در این باره به مشهورات تاریخی و برخی روایات - که استناد آنها به ائمه روشن نبوده - بسنده کرده است.

کلید واژه‌ها: سیره پیامبر ﷺ، روش‌شناسی کلینی، الکافی، مستندات الکافی، مولد النبی.

درآمد

کتاب الکافی نوشته ابو جعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (م ۳۲۹ ق) از جمله کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه است که به سیره و تاریخ پیامبر توجه کرده و در ذیل «ابواب التاریخ» کتاب الحجج، بابی را به «مولد النبی» اختصاص داده است. در سه

۱. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. کارشناس ارشد تاریخ اسلام جامعه الزهراء.

کتاب حدیثی دیگر شیعه (الاستبصار، التهذیب و من لا یحضره الفقیه)، عنوانی بدین گونه به بررسی زندگانی پیامبر ﷺ اختصاص نیافته است.^۳ کلینی برای ارائه اطلاعات درباره پیامبر از عنوان «مولد النبی» بهره برده است. این عنوان تعبیری شناخته شده در عصر کلینی (م ۳۲۹ق) برای بررسی زندگانی پیامبر و مرادف با کل تاریخ پیامبر بوده است؛ چنان که ابن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ق) در المَحَبَّر در عنوان «مولد النبی» اطلاعات تاریخی از تولد تا وفات پیامبر را درج کرده است.^۴ کلینی این تعبیر (مولد...) را در شرح حال ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز تکرار کرده و مرادش از این عنوان، اطلاعات مربوط به کل زندگی آنان است.

وی در این عنوان، دو سنخ آگاهی به دست داده است: ابتدا و پیش از ارائه احادیث و بدون اسناد، در یک صفحه به ارائه اطلاعات تاریخی مربوط به پیامبر پرداخته است و در ادامه، چهل روایت به همراه سند درباره رسول خدا ﷺ گرد آورده است. ارائه اطلاعات کلی درباره موضوع مورد بحث، شیوه‌ای بوده که نمونه آن را می‌توان در کتاب‌های تدوین شده حدیثی پیش از کلینی سراغ گرفت؛ چنان که بخاری (م ۲۵۶ق) در بررسی غزوات پیامبر، هم چون غزوه عشیره، احد و بنو مصطلق، ابتدا به توضیح مختصری درباره تاریخ جنگ بدون ارائه اسناد پرداخته و در ادامه به صورت مسند، احادیث مرتبط با آن غزوه را ارائه کرده است.^۵ کلینی در این یک صفحه - که به صورت تمهیدیه آورده است (متن را بنگرید در پیوست یک) - اطلاعاتی درباره زمان و مکان ولادت پیامبر، مدت اقامت در مکه و هجرت به مدینه و زمان رحلت پیامبر به دست می‌دهد. او در این قسمت بر عنصر زمان، مکان و استمرار فرد انگشت نهاده که برای مورخان مهم است و معمولاً در یاد از حوادث به این موارد توجه می‌نمایند. نوشته حاضر - که ماهیت تاریخ حدیث پژوهی دارد - در صدد است با بررسی اطلاعات زمانی مندرج در این یک صفحه،^۶ مستندات کلینی را در ارائه اطلاعات تاریخی شناسایی و بازنمایی نماید و میزان بهره‌وری او را از منابع شیعه و اهل

۳. توجه به مباحث تاریخی مربوط به رسول خدا ﷺ در کتاب‌های حدیثی اهل سنت - که پیش از الکافی تدوین شده‌اند - وجود داشته و کتاب‌های حدیثی اهل سنت در ابوابی چون «مغازی»، به گزارش‌های تاریخی عصر رسول خدا پرداخته‌اند؛ چنان که المصنف عبد الرزاق (م ۲۱۱ق)، المصنف ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ق) و صحیح البخاری (م ۲۵۶ق) دارای بابی با عنوان مغازی هستند که اطلاعات تاریخی مربوط به غزوات را بیان کرده‌اند.

۴. المحبر، ص ۸.

۵. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷، ۲۸، ۵۴.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۴۳۵ چاپ دار الحدیث. از این پس تمام مواردی که در این مقاله به الکافی در باره تاریخ رسول خدا ﷺ ارجاع می‌شود، به همین صفحه است.

سنت مشخص سازد.

الف. اطلاعات تاریخی کلینی

بیشتر آگاهی‌های تاریخی ارائه شده در بخش مولد النبی با گزارش‌های مندرج در کتاب‌های تاریخی همسواست که گاه اختلافاتی با دیدگاه‌های گروهی از شیعیان دارد. در این یک صفحه، ده گزارش تاریخی و زمان دار ارائه شده است که در ادامه، هریک به صورت مجزا بررسی می‌شود. این گزارش‌ها بر اساس ترتیب یاد کرد کلینی به شرح زیر است:

۱. تاریخ ولادت پیامبر

کلینی تاریخ ولادت پیامبر ﷺ را دوازدهم ماه ربیع الاول، روز جمعه، هنگام زوال خورشید، در عام الفیل و چهل سال پیش از بعثت ذکر کرده است. گزارش وی در این باره دارای شش عنصر زمانی (سال، ماه، روز، ماه، روز هفته، هنگام و فاصله زمانی تا بعثت) است که منابع در باره برخی از آنها دیدگاه یکسانی ندارند. در منابع تدوین شده پیش از کافی، در باره ماه، روز ماه و روز هفته تولد پیامبر سه نظر رواج داشته است:

- دوشنبه دهم ربیع الاول

این روایت به امام باقر علیه السلام منتهی می‌شود. واقدی (م ۲۰۷ق)، به نقل از ابن ابی سبره، از اسحاق بن عبد الله بن ابی فروه، از امام باقر علیه السلام این روایت را نقل می‌کند.^۷

- دوشنبه دوازدهم ربیع الاول

این تاریخ‌گذاری نظر ابن اسحاق است (م ۱۵۱ق) است. او مأخذ قول خویش را مشخص نساخته، اما در آن تردید نداشته و تنها همان قول را ذکر کرده است.^۸ دیگر نویسندگان وابسته به عامه، مانند واقدی (م ۲۰۷ق)، ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ق)، طبری (م ۳۱۰ق) و ابن عبد ربه (م ۳۲۸ق) همین تاریخ را پذیرفته‌اند.^۹ کلینی نیز همین قول را

۷. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۸۰؛ کتاب الازمنة والامکنه، ص ۴۶۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۷۵؛ المنتظم، ج ۲، ص ۲۴۹؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۳۳۴.

۸. السیره النبویه ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۸.

۹. کتاب التاریخ، ص ۸۱؛ البدایه والنهایه، ج ۳، ص ۱۰۹؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۵۶ (به نقل از ابن اسحاق)؛ العقد



منعکس کرده است. این تاریخ‌گذاری مشهورترین و رایج‌ترین نظر در باره زمان تولد رسول خدا ﷺ است.

- دوشنبه دوازدهم رمضان

راوی اصلی این تاریخ‌گذاری معروف بن خربوذ (از اصحاب امام باقر و صادق علیهما السلام) است. زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق) از محمد بن حسن بن زباله مخزومی، از عبد السلام بن عبد الله، از معروف بن خربوذ این روایت را نقل می‌کند. این تاریخ‌گذاری به «قول و نظر زبیر بن بکار» شناخته می‌شده است.^{۱۰} یعقوبی (م ۲۹۲ ق) در تاریخ الیعقوبی به نقل از امام جعفر صادق علیه السلام تاریخ ولادت پیامبر را دوازدهم رمضان ذکر می‌کند.^{۱۱} او اسناد گزارش خویش را نیاورده، اما می‌توان ریشه و اساس آن را همان روایت معروف بن خربوذ دانست.

کلینی درباره تاریخ تولد پیامبر صلی الله علیه و آله از میان گزارش‌های مختلف، همان نظر مشهور (دوازدهم ربیع الاول) را پسندیده و به نظریات دیگر، با وجود این که به ائمه علیهم السلام منسوب شده، توجهی نکرده است. شبیری زنجانی معتقد است که نظر کلینی در این زمینه برگرفته از مآخذ سنیان است.^{۱۲}

تاریخ پیشنهادی کلینی با پذیرش منابع شیعی مواجه نشده و به عنوان تاریخی که عامه بدان اتکا می‌کنند، قلمداد شد و نویسندگان اندکی با کلینی همسویی کردند. مسعودی، نویسنده شیعی و ناشناخته کتاب اثبات الوصیة، قاضی نعمان (م ۳۶۳ ق) و شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) قدیمی‌ترین نویسندگان شیعی‌اند که ولادت پیامبر را هم چون کلینی در دوازده ربیع الاول ذکر کرده‌اند.^{۱۳} پس از این نویسندگان، تاریخ دیگری (هفدهم

الفرید، ج ۵، ص ۳ با تعبیر قالوا که نشان از رواج و همگانی بودن این نظر است.

۱۰. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۶۹؛ الروض الانف، ج ۲، ص ۱۵۹؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۶۱؛ عیون الأثر، ج ۱، ص ۳۳؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶.

۱۱. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۷.

۱۲. تحقیق در روزوفات پیامبر، ص ۴؛ کتاب نکاح، ج ۲۵، درس ۹۷۹ - ۹۹۵، ص ۷۸۰۸.

۱۳. اثبات الوصیة، ص ۱۱۴؛ شرح الاخبار، ج ۱، ص ۲۶۱؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹۶؛ شیخ صدوق این تاریخ را به نقل از نویسنده متقدم شیعی ابان بن عثمان بجلي (م، ح ۱۷۰) نقل می‌کند. روایت منقول از ابان بن عثمان احمر - که مشهور به خبر یوسف یهودی است - در منابع پیش از صدوق، از جمله در تفسیر منسوب به قمی (ح ۳۲۹)، ج ۱، ص ۳۷۳، فاقد عنصر زمان است و اشاره ای به سالروز ولادت پیامبر ندارد. از این رو، گمان می‌رود که آن تاریخ افزوده خود صدوق باشد.

ربیع الاول) در منابع شیعی به عنوان تاریخ ولادت پیامبر پذیرفته شد.^{۱۴} شیخ مفید (م ۴۱۳ق) در دو کتاب *المقنعة* و *مسار الشیعة* تاریخ هفدهم ربیع را به عنوان تاریخ ولادت پیامبر ذکر کرد،^{۱۵} کراجکی (م ۴۴۹ق) در *کنز الفوائد*،^{۱۶} شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در پنج کتاب خویش،^{۱۷} طبرسی (م ۵۴۸ق) و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) نیز همان تاریخ را پذیرفتند^{۱۸} و این تاریخ به عنوان نظر رایج میان شیعیان مشهور شد؛^{۱۹} به گونه‌ای که مجلسی (م ۱۱۱۰ق) ولادت پیامبر در هفدهم ربیع را اتفاق امامیه دانست و احتمال داد نظر کلینی (دوازدهم ربیع) از روی تقیه صادر شده باشد.^{۲۰} گمانه مجلسی، موجه و روا نیست؛ زیرا که در عصر کلینی تاریخ هفدهم ربیع به عنوان نظر شیعی شهرتی نداشت که کلینی در باره آن مجبور به تقیه شده باشد؛ ضمن آن که زمینه‌ای برای تقیه در باره تاریخ گذاری وجود نداشت؛ چنان که او در همین باب در بخش احادیث، روایاتی در باره اسلام و مقام و منزلت ابو طالب می‌آورد که به طور کامل مخالف با جهت‌گیری منابع عامه است.

- روز ولادت

کلینی روز ولادت را جمعه یاد کرده است. منابع اهل سنت در باره این که ولادت روز دوشنبه بوده، اتفاق نظر دارند^{۲۱} و حال آن که کلینی روز جمعه را به عنوان روز ولادت آورده است. طبرسی می‌گوید که ولادت در روز دوشنبه نظر عامه و در روز جمعه رای امامیه است.^{۲۲} کلینی در باره روز ولادت، برخلاف دیدگاه رایج اهل سنت نظر داده است.

۱۴. در منابع عامه قول هفدهم ربیع الاول برای تاریخ ولادت پیامبر شناخته شده نیست. ابو هلال عسکری (م ۳۹۵ق)، به نقل از ابو الحسن نسایه تولد پیامبر را در هفدهم این ماه (ذی ماه) نوشته است (ص ۳۵) که در متن آن ابهام وجود دارد (قال أبو الحسن النسابة: رواه لنا أبو أحمد عنه ولد ﷺ يوم الاثنين السابع عشر من ذی ماه).

۱۵. المقنعة، ص ۴۵۶؛ مسار الشیعة، ص ۵۰.

۱۶. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۶۷.

۱۷. مصباح المتعجل، ص ۷۹۱؛ المبسوط، ج ۱، ص ۲۸۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲؛ النهایه، ص ۱۶۹؛ الرسائل العشر، ص ۲۸.

۱۸. اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۷۲.

۱۹. رک: کشف الغم، ج ۱، ص ۳۸؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۸؛ رساله فی تواریخ النبی والاول، ص ۳.

۲۰. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۴۸.

۲۱. رک: البدایة والنهایة، ج ۲، ص ۲۶۰؛ تاریخ سنن ملوک الارض والانبیاء، ص ۱۱۷.

۲۲. اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲.

- ساعت ولادت

کلینی ساعت ولادت را هنگام زوال آفتاب نوشته و پس از آن با تعبیر «رُوی» اظهار داشته که برخی زمان ولادت را هنگام طلوع فجر دانسته‌اند.

کلینی درباره ساعت ولادت دو روایت را - که یکی بردیگری ترجیح داشته - با هم تلفیق کرده است: روایت اول، روایتی مطابق با گزارش نقل شده از کتاب *موالید الأئمة* است که تولد را هنگام زوال خورشید می‌داند.^{۲۳} از نظر کلینی این قول رجحان داشته و مقدم بر قول دیگر ذکر شده است. روایت دوم، روایت مشهور زبیر بن بکار از معروف بن خربوذ است که تولد را هنگام طلوع فجر دانسته است.^{۲۴} کلینی این روایت را در رده دوم قرار داده است.

منابع شیعی پس از *الکافی*، ساعت تولد را هنگام طلوع فجر دانسته‌اند^{۲۵} که این زمان مطابق نظر کلینی نبوده است.

۲. زمان حمل پیامبر

کلینی زمان حمل پیامبر را در جمره وسطی و در ایام تشریق دانسته است. ایام تشریق روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه است. در صورت پذیرش این تاریخ، مدت حمل تا ربیع الاول همان سال حدود سه ماه می‌شود و چنانچه ربیع الاول سال بعد مراد باشد، مدت حمل بیشتر از پانزده ماه خواهد شد.^{۲۶} برخی این اشکال را با توجه به سیستم گاه‌شماری عصر جاهلیت - که مبتنی بر تقدیم و تأخیر ماه‌ها بوده و قرآن نیز به آن اشاره کرده (نسی^{۲۷}) - پاسخ داده‌اند^{۲۸} که پاسخ صحیحی نیست؛ زیرا تاریخ‌گذاری «زمان

۲۳. *العدد القویة*، ص ۱۱۱ و به نقل از آن: *بحار الانوار*، ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ ج ۹۵، ص ۱۹۴ این مطلب را - که مشابه اطلاعات کلینی است - به استناد کتاب *موالید الأئمة* نقل کرده‌اند. در نسخه چاپ شده این کتاب در «مجموعه نفیسه» چنین گزارشی وجود ندارد؛ در کتاب *تاریخ اهل البیت*، نقلاً عن *اهل البیت* نیز چنین اطلاعاتی درباره زمان ولادت رسول خدا ﷺ وجود ندارد.

۲۴. *سبیل الهدی والرشاد*، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲۵. *اعلام الوری*، ج ۱، ص ۴۲.

۲۶. بررسی در این باره را رک: *قاموس الرجال*، ج ۱۲، ص ۶.

۲۷. *إِنَّمَا النَّبِيُّ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجْلَوْنَ عَاماً وَيُحْرَمُونَ عَاماً لِيُؤْطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَجْلُؤُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ رَبِّينَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ* (سوره توبه، آیه ۳۷).

۲۸. رک: *الروضة البهيمة*، ج ۵، ص ۴۳۳؛ *شرح اصول الكافي*، ملا صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۱۴۰؛ *بحار الانوار*، ج ۱۵،

حمل» و «زمان ولادت» هر دو بر اساس همان گاه‌شمار جاهلی پیشنهاد شده است و نمی‌توان تاریخ‌گذاری زمان حمل را بر اساس تقویم جاهلی و تاریخ‌گذاری زمان ولادت را بر اساس گاه‌شمار اسلامی دانست.

روایت حمل آمنه در ایام تشریق و در جمره وسطی روایتی است که به نقل از زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق) گزارش شده است.^{۲۹} به نظر می‌رسد کلینی نیز بر همان روایت، اعتماد کرده است. زبیر بن بکار - که چنین روایتی نقل کرده - زمان تولد پیامبر را در ماه رمضان دانسته که هیچ اشکالی از لحاظ زمانی بر تاریخ‌گذاری وی وارد نیست و مدت حمل (از ذی حجه تا رمضان) همان ۹ ماه خواهد بود؛ اما بر اساس آنچه کلینی در باره زمان ولادت پذیرفته (ربیع الاول) اشکال تولد پیش از موعد و یا پس از آن پیش خواهد آمد.

۳. مکان حمل و ولادت

کلینی مکان حمل را در جمره وسطی و در منزل عبد الله بن عبد المطلب و مکان ولادت را در شعب ابوطالب در خانه محمد بن یوسف و گوشه انتهایی سمت راست خانه ذکر کرده که این خانه را خیزران (مادر هادی و هارون الرشید از خلفای عباسی) بعدها به مسجد تبدیل کرد.

بخشی از اطلاعات ارائه شده کلینی در این زمینه همان اطلاعاتی است که در گزارش زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق) آمده است. این گزارش‌ها در کتاب اخبار مکه از زرقی (م ح ۲۵۰ق)، اخبار مکه فاکهی (م ۲۷۲ق) و تاریخ الطبری (م ۳۱۰ق) موجود است.^{۳۰} با این حال، کلینی اطلاعات ریز دیگری نیز در باره خانه‌ای که پیامبر در آن متولد شده ارائه کرده که در این منابع موجود نیست. او موقعیت محل تولد پیامبر را چنین توصیف می‌کند که: «چون وارد خانه محمد بن یوسف شوی، محل ولادت در گوشه سمت راست توست». به نظر می‌رسد این افزوده خود کلینی به گزارش و تجربه میدانی و مشاهده مستقیم خود او باشد.

۴. مدت ماندن در مکه و مدینه

کلینی مدت اقامت پیامبر را پس از بعثت، در مکه، سیزده سال دانسته که پس از آن به مدینه هجرت کرد و ده سال نیز در آنجا ماند و در سن ۶۳ سالگی درگذشت.

۲۹. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۰؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۶۱؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶. این گزارش را به نقل از زبیر بن بکار نقل کرده‌اند.

۳۰. اخبار مکه، از زرقی، ج ۲، ص ۱۹۸؛ اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۵؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۵۶.

در باره مدت اقامت پیامبر در مدینه اتفاق است و همه آن را ده سال ذکر کرده‌اند،^{۳۱} اما در باره مدت زمان اقامت پیامبر در مکه، پس از بعثت اختلاف است و در این باره دست کم پنج تاریخ ذکر شده است که دو تاریخ آن مشهور است و در منابع پیش از کلینی رواج داشته است.^{۳۲} این دو تاریخ عبارت‌اند از:

اقامت ده سال در مکه

عایشه، عروه بن زبیر، انس بن مالک، سعید بن مسیب، عمرو بن دینار، ابن عباس (بر اساس روایتی) و حسن بصری در شمار قایلان به این تاریخ گذاری بوده‌اند.

اقامت سیزده سال در مکه

ابن عباس بر اساس روایتی که به چندین طریق نقل شده است^{۳۳} و امام سجاده علیه السلام این تاریخ گذاری را پذیرفته‌اند. روایت ابن عباس به وفور در منابع منعکس شده است، اما روایت امام سجاده علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام در منابع کهن یافت نمی‌شود و در منابع متأخر وجود دارد.^{۳۴} در برخی منابع، همین روایت از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^{۳۵}

اقوال فرعی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. کلبی (م ۲۰۴ ق) اقامت در مکه را دوازده سال،^{۳۶} قتاده هشت سال^{۳۷} و ابن عباس (بر اساس روایت دیگری) پانزده سال دانسته است.^{۳۸} این اقوال در منابع رواجی نیافته و بدان‌ها توجه نشده است.

کلینی در این زمینه از میان اقوال، روایتی را برگزیده که نزدیک به دیدگاه اهل بیت علیهم السلام بوده است. ساختار گزارشی که وی نقل کرده، همان ساختار روایت ابن عباس است که داری سه بخش مدت اقامت در مکه، مدت اقامت در مدینه و سن پیامبر هنگام

۳۱. امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶۴.

۳۲. برای اقوال مختلف رارک: الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۴۹، ص ۱۷۳؛ المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۴۳۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۷؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۸۳.

۳۳. هشام بن عروه، سعید بن جبیر، عمرو بن دینار، عکرمه، کریب و ابو جمره نصر بن عمران این روایت را از ابن عباس نقل می‌کنند (امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶۴).

۳۴. همان، ج ۱، ص ۶۴.

۳۵. رک: التمهید، ج ۳، ص ۱۷؛ البدایة والنهایة، ج ۵، ص ۲۵۹؛ امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۵۵۱. تاریخ مولید الائمة، ص ۱۲۳.

۳۶. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳۷. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۲۸.

درگذشت است که به همین گونه در منابع بسیاری از جمله المصنف ابن ابی شیبه (م ۲۳۵ق)، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) و صحیح مسلم (م ۲۶۱ق)، از ابن عباس نقل شده است.^{۳۹} همین ساختار بندی در روایت نصر جهضمی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است.^{۴۰}

تاریخ گذاری نقل شده در الکافی درباره مدت اقامت پیامبر در مکه و مدینه در منابع بعدی، مانند منتخب الانوار محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق) والهدایة الکبری خصیبی (م ۳۳۴ق)، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است.^{۴۱}

۵. سن پیامبر هنگام درگذشت

کلینی درگذشت پیامبر را در ۶۳ سالگی نوشته است. درباره سن رسول خدا هنگام درگذشت، سه نظر شایع در منابع پیش از کلینی وجود داشته است: رحلت در سن شصت سالگی - انس بن مالک^{۴۲} و عروة بن زبیر (در روایت عمرو بن دینار) راوی آن هستند؛^{۴۳} رحلت در سن ۶۵ سالگی که ابن عباس (بر اساس روایت عمار مولی بنی هاشم) و دغفل نسابه آن را نقل کرده اند^{۴۴} و رحلت در سن ۶۳ سالگی که از عایشه، ابن عباس (بر اساس روایت ابو جمره و عکرمه)، عامر شعبی و سعید بن مسیب نقل شده و رواج بیشتری در منابع یافته است.^{۴۵} قول اخیر - که کلینی نیز آن را پذیرفته است - از امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.^{۴۷}

۶. زمان رحلت پیامبر

کلینی تاریخ وفات پیامبر صلی الله علیه و آله را دوشنبه دوازدهم ربیع الاول نوشته است. درباره روز هفته وفات پیامبر در منابع شیعه و سنی اتفاق نظر وجود دارد و همه آن را دوشنبه

۳۹. المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۴۳۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۷۱؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۸۸.

۴۰. تاریخ اهل البیت، ص ۶۸.

۴۱. منتخب الانوار، محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)؛ الهدایة الکبری، خصیبی (م ۳۳۴ق)، ص ۳۸.

۴۲. الشمائل المحمدیة، ص ۱۶؛ دلائل النبوة، ج ۷، ص ۲۳۷؛ سنن الدارمی، ج ۵، ص ۲۵۲.

۴۳. تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۴۷.

۴۴. همان جا؛ الشمائل المحمدیة، ص ۲۱۷؛ سنن الدارمی، ج ۵، ص ۲۶۵.

۴۵. تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۴۷.

۴۶. امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۵۵۴.

۴۷. دلائل النبوة، ج ۷، ص ۲۴۱؛ تاریخ موالید الائمة، ص ۱۲۳.

دانسته‌اند؛^{۴۸} اما در باره روز ماه وفات پیامبر اختلاف شده است و پیش از کلینی، در منابع، سه قول مشهور وجود داشته است:

- دوازدهم ربیع الاول

این تاریخ گذاری قول مشهور در میان نویسندگان اهل سنت است. واقدی (م ۲۰۷ ق)،^{۴۹} عبد الملک بن حبیب سلمی (م ۲۳۸ ق)،^{۵۰} خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ ق)،^{۵۱} ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق)^{۵۲} و طبری (م ۳۱۰ ق)، به نقل از واقدی و ابن اسحاق^{۵۳} همین تاریخ را آورده‌اند. این روایت به سه تن از صحابه می‌رسد که عبارت‌اند از: عایشه، ابن عباس و امام علی علیه السلام. روایت امام علی علیه السلام را فرزندش عمر بن علی، از ایشان نقل می‌کند.^{۵۴}

- دوم ربیع الاول

این تاریخ را واقدی (م ۲۰۷ ق)، به نقل از ابو معشر، از محمد بن قیس گزارش کرده است؛^{۵۵} چنان که هشام کلبی (م ۲۰۴ ق) از ابو مخنف همین تاریخ را نقل می‌کند.^{۵۶} ابن سعد (م ۲۳۰ ق) در *الطبقات الکبری* این تاریخ را به عنوان نخستین تاریخ درباره زمان وفات پیامبر ذکر کرده و در ادامه، اقوال دیگر را درج می‌کند.^{۵۷} خلیفه بن خیاط (م ۲۴۰ ق) قول «دوم ربیع» را به عنوان قول فرعی و پس از قول دوازدهم ربیع ذکر کرده است.^{۵۸} ابن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ ق)،^{۵۹} یعقوبی (م ۲۹۲ ق) و ابن ابی الثلج (م ۳۲۵ ق) نیز تاریخ دوم ربیع را ذکر می‌کنند.^{۶۰} روایت مندرج در کتاب ابن ابی الثلج، به نقل از نصر بن علی

۴۸. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۹۹.

۴۹. المغازی، ج ۳، ص ۱۱۲۰.

۵۰. کتاب التاریخ، ص ۹۶.

۵۱. تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۵۸. ابن ابی الثلج در تاریخ اهل البیت، ص ۶۸ و ابن سعد در الطبقات الکبری، ج ۲،

ص ۲۰۹ گزارشی مبنی بر وفات پیامبر در دوم ربیع الاول را نیز ثبت کرده‌اند.

۵۲. المعارف، ص ۱۶۵.

۵۳. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۰، ۲۱۷.

۵۴. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۹.

۵۵. دلائل النبوة، ج ۷، ص ۲۳۵.

۵۶. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۲۰۰.

۵۷. همان، ج ۲، ص ۲۰۸.

۵۸. تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۵۸.

۵۹. المحبر، ص ۱۲.

۶۰. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳؛ تاریخ اهل البیت، ص ۶۸.

جهضمی (م ۲۵۰ق)، از امام رضا علیه السلام از آبابی خویش نقل شده است.^{۶۱} همین روایت، با متن یکسان به سه طریق در کتاب *الهدایة الکبریٰ خصیصی* (م ۳۳۴ق) آمده است که علاوه بر طریق جهضمی از امام رضا علیه السلام، دو طریق دیگر: یکی از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام و دیگری از محمد بن اسماعیل حسنی از امام حسن عسکری علیه السلام با متن یکسان است.^{۶۲} این روایت گاهی مستند به امام باقر علیه السلام نیز شده است.^{۶۳}

- اول ربیع الاول

موسی بن عقبه (م ۱۴۱ق)، به نقل از زهری این تاریخ را ذکر کرده است.^{۶۴} فسوی (م ۲۷۷ق)، به نقل از یحیی بن بکیر، از لیث بن سعد (م ۱۷۵ق) همین تاریخ را نقل کرده است.^{۶۵} بیرونی (م ۴۴۰ق) نیز به نقل از کتاب *کسوفات* محمد بن جابر بن تثنانی (م ۳۱۷ق) همین نظر را صائب می داند.^{۶۶}

به نظر کلینی در باره زمان رحلت پیامبر - که همان نظر مشهور در منابع عامه است - در منابع شیعی توجیه نشده و تنها برخی منابع بر همان راه کلینی رفته اند. طبری امامی (معاصر کلینی) در *المستترشد*،^{۶۷} ابن همام اسکافی (م ۳۳۶ق) در *منتخب الانوار*،^{۶۸} مسعودی (م ۳۴۶ق) در *مروج الذهب*^{۶۹} و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در *الامالی* (مجلس دهم)، با سند خویش - که به ابن اسحاق می رسد - همان تاریخ دوازدهم ربیع را ذکر کرده اند؛^{۷۰} اما بیشتر منابع شیعی بعد کلینی، تاریخ بیست و هشتم صفر را زمان درگذشت رسول خدا ثبت کرده اند. این تاریخ را نخستین بار شیخ مفید (م ۴۱۳ق) ذکر کرده است.^{۷۱} شیخ

۶۱. تاریخ اهل البیت نقلاً عن الائمة، ص ۶۸.

۶۲. الهدایة الکبریٰ، ص ۳۸.

۶۳. تاریخ موالید الائمة، ص ۱۲۳.

۶۴. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۴۵؛ تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۶۸. محتمل است این تاریخ گذاری مربوط به ابراهیم بن منذر و افزوده او بر روایت باشد که راوی روایت موسی بن عقبه است (دلائل النبوة، ج ۷، ص ۲۳۴).

۶۵. المعرفة و التاریخ، ج ۳، ص ۲۶۳.

۶۶. الآثار الباقیة، ص ۴۲۳.

۶۷. المستترشد، ص ۱۱۵.

۶۸. منتخب الانوار، ص ۳۸.

۶۹. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۰.

۷۰. امالی الطوسی، ص ۲۶۶؛ شیخ طوسی در کتاب های دیگر خود، از جمله التهذیب (ج ۶، ص ۲) قول ۲۸ صفر را پذیرفته است.

۷۱. الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۹؛ مسار الشیعة، ص ۴۷؛ المقنعة، ص ۴۵۶.

طوسی،^{۷۲} فتال نیشابوری،^{۷۳} طبرسی^{۷۴} و دیگران نیز همان را پذیرفته‌اند.^{۷۵} مجلسی همین تاریخ را مشهور میان امامیه می‌داند.^{۷۶}

۷. زمان وفات پدر، مادر و جد پیامبر

کلینی سن پیامبر ﷺ را هنگام درگذشت پدر، دو ماه؛ هنگام درگذشت مادر، چهار سال و هنگام درگذشت عبدالمطلب، هشت سال نوشته است. در باره سن پیامبر هنگام درگذشت پدرش عبد الله، اختلاف است. در منابع پیش از کلینی سه قول بدین شرح منعکس شده است:

اول. درگذشت عبد الله زمانی که رسول خدا ﷺ حمل و در شکم مادر بود

روایت شایع و رایج در منابع این روایت بوده است. ابن اسحاق (م ۱۵۱ق)، واقدی (م ۲۰۷ق) و ابن سعد (م ۲۳۰ق) این رأی را پذیرفته‌اند.^{۷۷} مسعودی (م ۳۴۶ق) نیز همین نظر را مقدم بر دیگر نظرات نقل کرده است.^{۷۸}

دوم. درگذشت عبد الله در دو ماهگی پیامبر

مستند این قول گزارش زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق) است که به معروف بن خربوذ می‌رسد. یعقوبی (م ۲۹۲ق) در این باره اظهار می‌کند که پیامبر هنگام درگذشت پدرش متولد شده بوده و آن را اجماعی می‌داند. او دو ماهه بودن پیامبر را در این هنگام به روایتی از امام صادق علیه السلام مستند می‌کند.^{۷۹}

سوم. ۲۸ ماهه بودن پیامبر هنگام درگذشت پدر

این زمان به نقل از کلبی (م ۲۰۴ق) گزارش شده و روایت وی به عوانة بن حکم می‌رسد. ابن سعد و طبری این گزارش را به نقل از هشام کلبی آورده‌اند.^{۸۰}

۷۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲.

۷۳. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۸۲.

۷۴. اعلام الوری، ص ۷.

۷۵. رک: بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان، ص ۱۲۸.

۷۶. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۱۴. برای بررسی‌ها در این باره رک: رساله فی تواریخ النبى والال، ص ۲۶.

۷۷. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۵۸؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰.

۷۸. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۴.

۷۹. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

۸۰. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۶۵؛ نیز رک: المحبر، ص ۹.

مدل زمان بندی مربوط به خردسالی پیامبر - که کلینی از آن یاد کرده - براساس روایت زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق) است که به معروف بن خَرَبُود می‌رسد.^{۸۱} قطب راوندی (م ۵۷۳ق) نیز همان مدل سال شمار مورد استفاده کلینی را به صورت حدیث از امام صادق علیه السلام نقل کرده، اما هیچ سندی ارائه نکرده است.^{۸۲} معروف بن خَرَبُود، هر چند از اصحاب امام صادق علیه السلام است، اما در نقل این روایت تصریح نکرده که گزارش را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۸. زمان ازدواج با خدیجه علیها السلام

کلینی زمان ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با خدیجه علیها السلام بیست و چند سالگی (ابن بضع و عشرين) نوشته است.

در این باره در منابع پیش از کلینی دست کم دو تاریخ نزدیک به هم (۲۵ سال و ۲۳ سال) نقل شده است. بیشتر منابع، زمان ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ۲۵ سالگی نوشته‌اند. ابن هشام (م ۲۱۸ق)، ابن سعد (م ۲۳۰ق)، ابن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ق)، ابن قتیبه (م ۲۷۶ق)، بلاذری (م ۲۷۹ق)، یعقوبی (م ۲۹۲ق) و دولابی (م ۳۱۰ق) از جمله کسانی هستند که چنین رأی را پذیرفته‌اند.^{۸۳} راوی اصلی این روایت حکیم بن حزام است که موسی بن عقبه از وی نقل کرده است.

منابع قول بیست و سه سالگی پیامبر را به عنوان قول فرعی و پس از ۲۵ سال یاد کرده‌اند. ابن حبیب بغدادی و بلاذری، پس از یاد از قول ۲۵ سال، با تعبیر «یقال» به این قول اشاره کرده‌اند.^{۸۴}

طبری (م ۳۱۰ق) براساس یکی از گزارش‌ها - که به هشام کلبی (م ۲۰۴ق) - می‌رسد، همان تعبیر به کار گرفته شده کلینی (بضع و عشرين) را برای سن پیامبر هنگام ازدواج آورده است.^{۸۵}

۸۱. برای روایت زبیر بن بکار رک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۷۸؛ البدایة والنهایة، ج ۲، ص ۲۶۳؛ الوافی بالوفیات،

ج ۱، ص ۵۷؛ ائارة الترغیب، ج ۲، ص ۲۹۷.

۸۲. الخرائج و الجرایح، ج ۱، ص ۲۱.

۸۳. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۸۷؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۵؛ ج ۸، ص ۱۳؛ المحبر، ص ۱۰ و ۷۹؛ المعارف، ص ۱۳۳؛

انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الذریة الطاهرة، ص ۵۲.

۸۴. المحبر، ص ۷۹؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۸.

۸۵. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۶۱.

تعبیر کلینی در این زمینه برگرفته از روایتی است که زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق) آن را گزارش کرده است. در این روایت - که به معروف بن خربوذ می‌رسد - عمار بن یاسر ماجرای ازدواج پیامبر با خدیجه را نقل می‌کند و می‌گوید که پیامبر ﷺ در این هنگام بیست و چند ساله بود (ابن بضع و عشرین).^{۸۶}

۹. زمان تولد فرزندان پیامبر

کلینی ثمره ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را هفت فرزند ذکر می‌کند که چهارتن از آنان، با نام‌های قاسم، رقیه، زینب و ام کلثوم قبل از بعثت پیامبر متولد شدند و سه تن دیگر، با نام‌های طیب، طاهر و فاطمه علیها السلام بعد از بعثت تولد یافتند. کلینی در ادامه، با تعبیر «رُوی» نظر دیگری را نقل می‌کند که بر اساس آن فاطمه زهرا علیها السلام تنها فرزندی است که پس از بعثت متولد شده است و طیب و طاهر نیز در شمار تولد یافتگان پیش از بعثت بوده‌اند.

منابع پیش از کلینی در باره زمان تولد این فرزندان بر چند گونه‌اند:

- بدون اشاره به زمان بندی

برخی منابع تنها از نام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله یاد کرده و به زمان تولد آنها اشاره نکرده‌اند. روایت ابن اسحاق در سیره ابن هشام چنین است. طبری نیز همین روایت را گزارش کرده است.^{۸۷} روایتی از امام صادق علیه السلام که ابو بصیر اسدی ناقل آن است، نیز اشاره ای به زمان تولد فرزندان ندارد و تنها نام آنان را یاد کرده^{۸۸} و به عنصر زمان توجهی نکرده است.

- تولد همه فرزندان پیش از بعثت

یونس بن بکیر از ابن اسحاق روایت را بدین گونه آورده است.^{۸۹} این روایت به هشام بن عروه می‌رسد.^{۹۰}

- تفصیل به قبل از بعثت و بعد از آن

روایت هشام کلبی - که به ابن عباس می‌رسد - اظهار می‌دارد که همه فرزندان پیش از

۸۶. منتخب من کتاب ازواج النبی، ص ۴؛ مناحل الشفا، ج ۱، ص ۴۱۶.

۸۷. السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۰؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۸۰.

۸۸. رک: الهدایة الکبری، ص ۳۹؛ منتخب الانوار، ص ۴۱.

۸۹. سیرة ابن اسحاق، ص ۸۲؛ الدرر النوریة الطاهرة، ص ۶۷؛ دلائل النبوة، ج ۲، ص ۶۹.

۹۰. منتخب من کتاب ازواج النبی، ص ۳.

بعثت متولد شدند؛ غیر از عبد الله (همان طیب و طاهر) که بعد از بعثت پیامبر متولد شد.^{۹۱}

تفصیلی، به مانند تفصیل کلینی، در روایت منقول از زبیر بن بکار با اندک تفاوتی وجود دارد.^{۹۲} بر اساس روایت زبیر بن بکار، دو تن از فرزندان پیامبر - که عبارت اند از طیب (که همان عبد الله است) و فاطمه در اسلام متولد شدند.^{۹۳} مسعودی در *مروج الذهب* همین گزارش را پذیرفته و تولد تنها دو تن از فرزندان خدیجه را در اسلام دانسته که عبارت اند از: عبد الله (که همان طیب و طاهر است) و فاطمه.^{۹۴}

یعقوبی (م ۲۹۲ق) نیز هم چون کلینی در این باره، تفصیل قایل شده است. او تولد چهار تن از فرزندان را - که عبارت اند از: قاسم، رقیه، زینب و ام کلثوم - پیش از بعثت دانسته و تولد سه تن را - که عبارت اند از: عبد الله (که همان طیب است)، طاهر و فاطمه - در اسلام دانسته است.^{۹۵}

روایت فرعی کلینی - که فاطمه زهرا را تنها فرزند متولد شده در اسلام می داند - ناظر به روایت سعید بن مسیب از امام سجاد علیه السلام است. این روایت را کلینی در جای دیگری به صورت مسند نقل کرده است. بنا بر این روایت، امام سجاد از میان فرزندان خدیجه تنها فاطمه را مولود در اسلام ذکر می کند.^{۹۶}

۱۰. زمان درگذشت خدیجه و ابوطالب

کلینی درگذشت حضرت خدیجه را پس از بیرون آمدن مسلمانان از شعب ابوطالب و یک سال پیش از هجرت به مدینه نوشته و از سوی دیگر، مرگ ابوطالب را نیز یک سال بعد از درگذشت حضرت خدیجه نوشته است که پس از این دو حادثه رسول خدا چاره ای جز هجرت به مدینه در برابر خود ندید.

چهار سطر آخر گزارش تاریخی باب مولد النبوی - که در باره درگذشت خدیجه،

۹۱. *جمهرة النسب*، ص ۳۰؛ *الطبقات الكبرى*، ج ۱، ص ۱۰۶؛ *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۳، ص ۱۲۵.

۹۲. تفاوت روایت کلینی با زبیر بن بکار این است که کلینی طیب و طاهر را دو فرزند شمرده است. احتمال این که عبارت: طیب و الطاهر در اصل طیب هو الطاهر بوده باشد، بسیار است؛ چنان که برخی در باره این فرزند همین تعبیر را به کار برده اند که حاکی از یک نفر بودن این دو نام است.

۹۳. *منتخب من کتاب ازواج النبوی*، ص ۵.

۹۴. *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۲۹۱.

۹۵. *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۰.

۹۶. *الکافی*، ج ۱۵، ص ۷۵۴.

ابوطالب و هجرت پیامبر به مدینه است - برگرفته از روایت سعید بن مسیب از امام سجاد علیه السلام است که با اندک تغییراتی در واژه‌ها مورد استفاده کلینی قرار گرفته است. این روایت را کلینی در جای دیگر *الکافی* با سند آورده است.^{۹۷}

تاریخ‌های ارائه شده کلینی در باره زمان درگذشت خدیجه و ابوطالب با اطلاعات تاریخی سیره‌نویسان همساز نیست. سیره‌نویسان فاصله درگذشت خدیجه و ابوطالب را کمتر از یکسال گزارش کرده‌اند و رحلت آن دورا در سال دهم و سه سال پیش از هجرت به مدینه نوشته‌اند که با اطلاعات زمانی کلینی همخوان نیست.^{۹۸} گزارش کلینی دارای دو اشکال زمانی است: اول، این که درگذشت خدیجه را یک سال پیش از هجرت نوشته و حال آن که درگذشت وی سه سال پیش از هجرت است و دیگر، این که مرگ ابوطالب را یک سال پس از درگذشت خدیجه نوشته که در این صورت، مرگ ابوطالب باید در آستانه هجرت پیامبر به مدینه رخ داده باشد که گزارش‌های تاریخی آن را تأیید نمی‌کند.^{۹۹}

از بررسی‌های انجام شده در باره مستندات و منابع کلینی، در بخش تاریخی مولد النبی می‌توان به این نتیجه رسید که چهار روایت، بیشترین منبع وی در بخش تاریخی مولد النبی بوده که به صورت ترکیبی از آنها بهره برده است. این چهار روایت عبارت‌اند از: - روایت زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق) در باره رسول خدا که کلینی در پنج گزارش از ده گزارش یاد شده، بر روایت وی تکیه کرده است. ابن بکار - که از خاندان زبیر بن عوام و از دانشمندان عامه است^{۱۰۰} - راوی کتابی با عنوان *منتخب کتاب ازواج النبی* است که اینک باقی مانده و برخی اطلاعات نقل شده کلینی همسو با همان کتاب است. دو کتاب دیگر باقی مانده از زبیر بن بکار با عنوان *الاحبار الموقیات* و *جمهرة نسب قریش و اخبارها* فاقد اطلاعاتی در باره گاه‌شمار زندگانی رسول خدا است.

- روایت سعید بن مسیب (م ۹۴ق) از امام سجاد - که چهار سطر انتهایی گزارش

۹۷. همان.

۹۸. رک: *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۴۱۶؛ *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، ص ۳۵؛ *تاریخ الطبری*، ج ۲، ص ۳۹۸.

۹۹. محتوای برخی احادیث این باب - که پس از گزارش تاریخی آمده - با آگاهی‌های کتاب‌های تاریخی سازگار نیست؛ از جمله در حدیث شماره ۳۱، اظهار می‌شود که پیامبر در هجرت به مدینه به کوه حجون پناه برد و حال آن که رسول خدا در این هجرت به کوه ثور پناه برده است؛ نه کوه حجون (*انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۲۶۰؛ *امتناع الاسماع*، ج ۱، ص ۵۸؛ *تاریخ اسلام*، ج ۱، ص ۳۲۱؛ *البدایة و النهایة*، ج ۳، ص ۱۷۹؛ *الطبقات الکبری*، ج ۱، ص ۱۷۷).

۱۰۰. زبیر بن بکار قاضی متوکل بر مکه بود. پیش از او نیز پدرش چنین سمتی را در مکه عهده دار بود. او کتاب *الاحبار الموقیات* را به نام موفق طلحه بن متوکل خلیفه عباسی نوشت.

کلینی که مربوط به حضرت خدیجه و ابوطالب بوده - از آن استفاده شده است. متن این روایت در جای دیگری از *الکافی* آمده است. سعید بن مسیب آگاه به فتاوی عمر بن خطاب و قضاوت‌های او بود و به عنوان «راویة عمر» شناخته می‌شد^{۱۰۱} و به عنوان چهره مقبول شیعیان و اهل سنت به شمار رفته است.^{۱۰۲}

- روایت نصر بن علی جهضمی (م ۲۵۰ق) از امام رضا علیه السلام از آبای خویش که دو گزارش از گزارش‌های کلینی را می‌توان برگرفته از این روایت دانست. گزارش این روایت در کتاب *تاریخ اهل البيت نقلاً عن الائمة* (منسوب بن جهضمی، فریابی، ابن ابی الثلج و ابن خشاب) آمده است. جهضمی از دانشمندان عامه قلمداد می‌شود.^{۱۰۳}

- روایات مشهور. در باره زمان ولادت و زمان رحلت پیامبر، کلینی به گزارش‌های مشهور اتکا کرده که مطابق با نظریات عامه است و در کتاب‌های تاریخی هم چون *سیره ابن اسحاق* آمده است.

برخی کتاب *وفاة النبی سلمة بن خطاب* براوستانی را از مصادر کلینی برشمرده‌اند.^{۱۰۴} کلینی در *الکافی* روایاتی را نقل می‌کند که در سند آن سلمة بن خطاب قرار دارد و تعدادی از این روایات (چهار روایت)^{۱۰۵} نیز در باره زندگانی رسول خدا است، اما هیچ کدام هم سو و هم سنخ با اطلاعات ارائه شده در بخش تاریخی مولد النبی نیست.

ب. روش در ارائه مطالب تاریخی

کلینی در بخش مولد النبی، در گام اول تنها آگاهی‌های تاریخی ارائه کرده است، اما به نظر می‌رسد وظیفه اصلی خود را بیان تاریخ نمی‌دیده است. او که در پی نشان دادن ویژگی‌های منحصر به فرد معصومان علیهم السلام و تبیین منزلت و حجت بودن آنان است، دانش تاریخ را به عنوان ابزار کارآمدی برای تأمین اهداف اصلی خویش به شمار نمی‌آورده است. این نوع نگاه - که معطوف به هدف و مقصد نهایی کلینی است - در شیوه و روش وی در ارائه اطلاعات تاریخی اثرات زیر را برجای گذاشته است:

۱۰۱. تاریخ الاسلام، ج ۶، ص ۳۷۲؛ الاعلام، ج ۳، ص ۱۰۲.

۱۰۲. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۱۲۱.

۱۰۳. الانساب، ج ۳، ص ۴۳۶؛ اثبات الهداة، ج ۵، ص ۴۲؛ اهل البيت فی المكتبة العربية، ص ۷۵.

۱۰۴. جرعه ای از دریا، ج ۱، ص ۱۸۸.

۱۰۵. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۰؛ ج ۳، ص ۲۲۱؛ ج ۵، ص ۳۹۱.

- بی توجهی به سند

با وجود این که کلینی سرآمد شیوه اسناد است و آن را در نقل احادیث به صورت کامل به کار بسته، اما در یاد از مطالب تاریخی ارائه سند را لازم نمی‌دیده است. از این رو، منابع کلینی در این بخش مشخص نیست. از نظر کلینی چون این بخش جنبه فرعی، مقدماتی و اطلاعات عمومی داشته، نیازی برای به کارگیری روش اسناد نبوده است.

- استناد به مشهورات

کلینی در ارائه گزارش‌های تاریخی حساسیتی نسبت به ناقلان متن و استفاده از متن‌های منسوب به گروه‌های غیر امامی ندارد. در این باره به مشهورات موجود اکتفا کرده و بر گرفتن مطالب تاریخی را از منابع عامه مضر به هدف خویش نمی‌دیده است. بدین جهت، مطالب ارائه شده گاه هم سو با منابع اهل سنت است. خط مشی او در ذکر مطالب تاریخی به کارگیری قاعده تسامح بوده است. کلینی در همین باب، زینب و رقیه را از جمله دختران پیامبر ﷺ از خدیجه می‌داند؛ حال آن که گروهی از شیعیان این انتساب را رد نموده و آن دورا - که به همسری عثمان بن عفان درآمدند - ربیبه و نه فرزند رسول خدا ﷺ دانسته‌اند. ابو القاسم کوفی (م ۳۵۲ق)، نویسنده کتاب *الاستغاثه فی بدع الثلاثه* - که معاصر کلینی بوده - چنین نظری داشته است؛^{۱۰۶} چنان که برخی گفته‌اند کلینی در باره تاریخ موالید و وفیات در پی تحقیق و تمییز صحیح از سقیم نبوده است و تنها به نقل عبارت بعضی از مورخان - که نزدش بوده - بسنده کرده است.^{۱۰۷}

- بهره‌گیری از ساختار رایج دیگر علوم

کلینی در این مختصر تاریخی در صدد ارائه اطلاعات مربوط به احوال شخصی پیامبر بوده است و به موضوعاتی چون ولادت، وفات، پدر، مادر، همسر، فرزندان، جد و عمو اشاره کرده است. الگوی او در این باره کتاب‌های تراجم‌نگاری عصر وی بوده که به همین سبک و ترتیب اطلاعات را ارائه می‌کردند. نمونه این روش، کتاب *تاریخ اهل البیت ابن ابی الثلج* (م ۳۲۵ق) است.^{۱۰۸} کلینی بنا نداشته به تحولات سیاسی و اجتماعی زندگانی پیامبر

۱۰۶. *الاستغاثه*، ج ۱، ص ۶۴-۷۷؛ نیز رک: *الصحیح من سیره النبى الأعظم*، ج ۲، ص ۱۲۹.

۱۰۷. *بازیگرهای تاریخ ولادت و شهادت معصومان*، ۱۰۶، به نقل از محدث نوری در کتاب *میزان السماء*.

۱۰۸. ابن ابی الثلج در موضوعاتی چون اعمار النبى و الائمه، اولاد النبى و اسماء النبى (ص ۶۵، ۸۹، ۱۱۹) به ارائه آگاهی‌های مربوط به پیامبر پرداخته است.

بپردازد. از این رو، به بخش‌های برجسته‌ای هم چون غزوات هیچ اشاره‌ای نکرده است.

- توجه به اقوال دیگر

برخی اختلاف روایات از نظر کلینی مهم بوده و به این موارد، پس از آوردن قول مشهور، اشاره کرده است. چون زمان دقیق ولادت پیامبر را هنگام زوال خورشید در روز جمعه دوازدهم ربیع الاول نوشته، در ادامه با تعبیر «رُوی ایضاً» روایتی را منعکس کرده که زمان ولادت را هنگام طلوع فجر و چهل سال پیش از بعثت ذکر می‌کند که مطابق با دیدگاه شیعیان بوده است. در مورد دیگر، در یاد از فرزندان رسول خدا با تعبیر «رُوی ایضاً»، روایتی را آورده که بیان‌گر این است که از میان فرزندان رسول خدا تنها فاطمه علیها السلام بعد از مبعث پیامبر متولد شده است. اعتبار این قول - که در درجه دوم قرار گرفته - از نظر کلینی در حد اعتبار قول اول نبوده است؛ هر چند در برخی روایات شیعی به آن اشاره شده است.^{۱۰۹}

- تدوین متن ترکیبی

کلینی این متن تاریخی را از ترکیب چندین متن پدید آورده و به نظر نمی‌رسد که ناظر و برگرفته از متن خاصی بوده و تنها بربیک نوشته تکیه کرده باشد. او ترکیبی از روایات عامه و خاصه را مورد نظر قرار داده است. برخی ساختار بندی‌های مربوط به سال شمار زندگی پیامبر - که کلینی آن را بازتاب داده است - به همان گونه در گزارش‌های قدیمی‌ترین وجود داشته و به اسم دیگران ثبت شده است.

نتیجه

کلینی در کتاب *الکافی* و در باب «مولد النبی»، پیش از آوردن احادیث مربوط به رسول خدا، در یک صفحه بدون ارائه اسناد، گزارش‌ها و آگاهی‌هایی عمومی و تاریخی درباره پیامبر به دست داده است که نوشته حاضر وظیفه بررسی آنها را بر عهده داشت. از بررسی‌های انجام شده در باره مستندات و منابع کلینی در این بخش می‌توان به این نتیجه رسید که منابع او در بررسی زندگانی پیامبر، نوشته‌ها و روایات کسانی بوده که از افراد نزدیک و متمایل به عامه به شمار می‌رفته‌اند. البته کلینی، ضمن بهره‌گیری از روایات مشهور و محور قرار دادن آنها در باب مولد النبی به گزارش‌های شیعی نیز توجه نموده و این

۱۰۹. *الکافی*، ج ۸، ص ۳۴۰.

موارد را به صورت فرعی و ذیل روایت مشهور درج کرده است.

این بررسی مشخص ساخت که منبع عمده وی برای ارائه این گزارش‌ها چهار روایت بوده که به صورت ترکیبی از آنها بهره گرفته شده است: روایت زبیر بن بکار، روایت سعید بن مسیب، روایت نصر بن علی جهضمی و چند روایت مشهور دیگر. روایت زبیر بن بکار - که از دانشمندان عامه است - نسبت به روایات دیگر، جایگاه والایی نزد کلینی یافته؛ به گونه‌ای که پنج گزارش از ده گاه‌شمار بررسی شده در این نوشته با اتکا به روایت زبیر بن بکار بوده است. دو گزارش دیگر از گزارش‌های کلینی را می‌توان برگرفته از روایت نصر بن علی جهضمی از امام رضا علیه السلام، یک گزارش را به استناد روایت سعید بن مسیب از امام سجاد علیه السلام و دو گزارش نیز را - که مربوط به زمان ولادت و زمان رحلت پیامبر است - متکی به روایات مشهور و مطابق با نظریات عامه دانست. بنا بر این، می‌توان بیش از نیمی از اطلاعات زمانی ارائه شده مربوط به گاه‌شمار پیامبر در کتاب *الکافی* را متکی به منابع و روایات اهل سنت دانست.

روش کلینی در ارائه اطلاعات تاریخی مبتنی بر تسامح بوده و این عرصه را، مجال به کارگیری سنجش‌های رجالی نمی‌دیده است. از این رو، آوردن اسناد را در این بخش لازم نمی‌دیده است.

پیوست. متن کتاب *الکافی* در باره مولد النبی

أَبْوَابُ التَّارِيخِ؛ بَابُ مَوْلِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَوَفَاتِهِ

وُلِدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ فِي عَامِ الْفِيلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَعَ الزَّوَالِ. وَرُويَ أَيْضاً عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ يَبْعَثَ بِأَرْبَعِينَ سَنَةً. وَحَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ عِنْدَ الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى، وَكَانَتْ فِي مَنْزِلِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، وَوَلَدَتْهُ فِي شِعْبِ أَبِي طَالِبٍ فِي دَارِ مُحَمَّدِ بْنِ يَوْسَفَ فِي الزَّوَايَةِ الْقُصُوى عَنِ يَسَارِكِ وَأَنْتَ دَاخِلُ الدَّارِ، وَقَدْ أَخْرَجَتِ الْخَيْرَزَانُ ذَلِكَ الْبَيْتِ، فَصَيَّرَتْهُ مَسْجِداً يَصَلِّي النَّاسُ فِيهِ. وَبَقِيَ بِمَكَّةَ بَعْدَ مَبْعَثِهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً، ثُمَّ هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ، وَمَكَثَ بِهَا عَشْرَ سِنِينَ ثُمَّ قُبِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ وَسِتِّينَ سَنَةً. وَتُوفِيَ أَبُوهُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَ أَحْوَالِهِ وَهُوَ ابْنُ شَهْرَيْنِ. وَمَاتَتْ أُمُّهُ أَمِنَةُ بِنْتُ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ مَنَافِ بْنِ زُهْرَةَ بْنِ كِلَابِ بْنِ مُرَّةَ بْنِ كَعْبِ بْنِ لُؤَيِ بْنِ عَلَابِ وَهُوَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابْنُ أَرْبَعِ سِنِينَ. وَمَاتَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَوَلَدَتْهُ نَحْوُ ثَمَانِ سِنِينَ. وَتَزَوَّجَ خَدِيجَةَ وَهُوَ ابْنُ بَعْضِ

عِشْرِينَ سَنَةً، فَوُلِدَ لَهُ مِنْهَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ ﷺ: الْقَاسِمُ، وَرَقِيَّةُ، وَزَيْنَبُ، وَأُمُّ كُلْثُومُ؛ وَوُلِدَ لَهُ بَعْدَ الْمَبْعَثِ: الطَّيِّبُ، وَالظَّاهِرُ، وَفَاطِمَةُ ﷺ. وَرَوَى أَيْضاً: أَنَّهُ لَمْ يُولَدْ لَهُ بَعْدَ الْمَبْعَثِ إِلَّا فَاطِمَةُ ﷺ، وَأَنَّ الطَّيِّبَ وَالظَّاهِرَ وُلِدَا قَبْلَ مَبْعَثِهِ. وَمَاتَتْ خَدِيجَةُ ﷺ حِينَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الشَّعْبِ، وَكَانَ ذَلِكَ قَبْلَ الْهَجْرَةِ بِسَنَةٍ. وَمَاتَ أَبُو طَالِبٍ بَعْدَ مَوْتِ خَدِيجَةَ بِسَنَةٍ، فَلَمَّا فَقَدَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ شَتَأَ الْمَقَامَ بِمَكَّةَ، وَدَخَلَهُ حُزْنٌ شَدِيدٌ، وَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرِئِيلَ ﷺ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ: اخْرُجْ مِنَ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلِهَا؛ فَلَيْسَ لَكَ بِمَكَّةَ نَاصِرٌ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمْرُهُ ﷺ بِالْهَجْرَةِ. ١١٠

کتابنامه

- الآثار الباقية، ابوریحان بیرونی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۰ ش.
- اثاره الترغیب، محمد بن اسحاق خوارزمی، مکه مکرمه: مکتبه نزار مصطفی الباز، بی تا.
- اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملی، بیروت: أعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- اثبات الوصیة، علی بن حسین مسعودی، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ ق.
- الأخبار الموفقیات، زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق)، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۴ ش.
- اخبار مکه، محمد بن اسحاق فاکهی، مکه مکرمه: مکتبه الاسدی، بی تا.
- اخبار مکه، محمد بن عبدالله ازرقی، بیروت: دار الاندلس، بی تا.
- الإرشاد، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- الإستغاثه، ابوالقاسم کوفی، بی جا، بی نا، بی تا.
- الإستیعاب، ابن عبد البر، بیروت: دارالجمیل، ۱۴۱۲ ق.
- الأعلام، خیر الدین زرکلی، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۰ ق.
- أعیان الشیعة، محسن امین عاملی، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- إمتاع الأسماع، احمد بن علی مقریزی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- أنساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
- الأنساب، عبد الکریم سمعانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ ش.

- اهل البيت في المكتبة العربية، عبدالعزيز طباطبائي، قم: آل البيت، ۱۴۱۷ق.
- بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم‌السلام، ید الله مقدسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱ش.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- البدایة والنهاية، ابن كثير، بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- تاريخ الإسلام، شمس الدين ذهبی، بيروت: دارالکتب العربی، چ دوم، ۱۴۱۳ق.
- تاريخ الطبری، محمد بن جریر طبری، بيروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- تاريخ اليعقوبي، احمد بن ابی يعقوب واضح (معروف به يعقوبی)، بيروت: دار صادر، بی تا.
- تاريخ أهل البيت، ابن ابی الثلج، قم: آل البيت، ۱۴۱۰ق.
- تاريخ خليفه، خليفه بن خياط، بيروت: دارالفکر، بی تا.
- تاريخ سنی ملوک الارض، حمزه اصفهانی، بيروت: منشورات دارمکتبة الحیة، بی تا.
- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساکر، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- تاريخ مواليد الائمة ووفياتهم، ابن خشاب بغدادی، بيروت: دارالقاری، ۱۴۲۲ق.
- «تحقیق در روز وفات پیامبر»، محمد جواد شبیری زنجانی، نشریه تحقیقات اسلامی، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۶۸ش.
- تصیح اعتقادات الامامیه، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: حسین درگاهی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴ق.
- التمهید، ابن عبد البر (م ۴۶۳ق)، تحقیق مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبد الکبیر البکری، مغرب: وزارة الاوقاف، ۱۳۸۷ق.
- تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- جرعه ای از دریا، موسی شبیری زنجانی، قم: کتابشناسی شیعه، ۱۳۸۹ش.
- جمهرة النسب، هشام بن محمد کلبی، بيروت: عالم الکتب، بی تا.
- جمهرة نسب قریش وأخبارها، زبیر بن بکار (م ۲۵۶ق)، ریاض: دار الیمامة، ۱۴۱۹ق.
- الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق.
- دلائل النبوة، ابوبکر بیهقی، بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
- الذرية الطاهرة، ابوبشر دولابی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ق.

- الرسائل العشر، محمد بن حسن طوسی، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- رسالة فی تواریخ النبی والآل، محمد تقی شوشتری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۳ق.
- الروض الأنف، عبدالرحمن سهیلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
- روضة الواعظین، فتال نیشابوری، قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ق.
- الروضة البهیة، شهید ثانی، نجف: مطبعة الاداب، ۱۳۸۷ق.
- سبل الهدی والرشاد، محمد بن یوسف صالحی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام دارمی، دمشق، مطبعة الاعتدال، بی تا.
- السيرة النبوية، ابن هشام، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- شرح اصول الکافی، ملا صالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ق)، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۱ق.
- شرح الأخبار، نعمان بن محمد مغربی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- الشمائل المحمدية، ابو عیسی ترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- صحیح البخاری، بخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق.
- صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- الصحیح من سیرة النبی الأعظم، جعفر مرتضی عاملی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۶ق.
- الطبقات الکبری، ابن سعد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- العدد القویة، علی بن یوسف حلّی، قم: کتابخانه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.
- العقد الفرید، ابن عبد ربه، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- عیون الأثر، ابن سید الناس، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۴ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کتاب الازمنة والأمكنة، احمد بن محمد مرزوقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- کتاب التاریخ، عبدالملک بن حبیب سلمی اندلسی، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
- کتاب النکاح، موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، بی تا.
- کشف الغمة، علی بن عیسی إربلی، قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
- کمال الدین وتمام النعمة، محمد بن علی صدوق، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم: دار الذخائر، ۱۴۱۰ق.
- المبسوط، محمد بن حسن طوسی، تهران: المكتبة المرتضوية، بی تا.
- المحبر، ابن حبیب بغدادی، بیروت: دار الآفاق الجدیده، بی تا.

- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
- مسار الشیعه، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- المسترشد فی الإمامة، محمد بن جریر طبری، قم: کوشان پور، ۱۴۱۵ق.
- المسند، احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، بی تا.
- مصباح المتعجل، محمد بن حسن طوسی، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
- المصنف، ابن ابی شیبہ، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- المعارف، ابن قتیبه، قاهره: الهيئة المصرية العامة، ۱۹۹۲م.
- المعرفة والتاریخ، یعقوب بن سفیان فسوی، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۱ق.
- المغازی، محمد بن عمرو اقدی، بیروت: أعلمی، ۱۴۰۹ق.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مناقح الشفاء، عبد الملك بن محمد خرگوشی، مکه مکرمه: دار البشائر الاسلامیه، بی تا.
- المناقب، ابن شهر آشوب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
- منتخب الأنوار، ابن همام اسکافی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
- منتخب من کتاب ازواج النبی لمحمد بن الحسن بن زباله (ت ۱۹۹ق) روایة الزبیر بن بکار، تحقیق: اکرم ضیاء العمری، المدينة المنورة: مطبعة الجامعة الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
- المنتظم، ابن جوزی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- النهاية، محمد بن حسن طوسی، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
- الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، بیروت: دار النشر، بی تا.
- الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیبی، بی جا، البلاغ، ۱۴۱۹ق.